

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

حزب کار ایران (توفان)

۰۷ اکتوبر ۲۰۱۴

پیروزی های ایران دستاورد انقلاب مردمی ایران است

آنکس که نداند و نداند که نداند در جهل مرکب ابدالدهر بماند

خانم **مریم میرزاخانی** هموطن ایرانی ما توانست در سن ۳۶ سالگی جایزه بزرگ "فیلدز" در رشته علوم ریاضی را به خاطر کشفیات و پژوهشهایش در زمینه یافتن پاسخ به پاره ای از مسایل نامکشوفه ریاضی دریافت کند. اهمیت نتایج کسب شده از این تحقیقات استفاده از آن در حل مسایل فزیک و سایر علوم تجربی است که عرصه های نوینی را به روی تحولات و پیشرفت بشریت در دانش و شناختش نسبت به فعل و انفعالات طبیعت می گشاید. کارشناسان علوم ریاضی متفق القولند که ایشان از روشهای جدیدی استفاده کرده اند که برای آنها شگفت انگیز می نماید.

طبیعی است که هر ایرانی از این موفقیت یک زن ایرانی در رشته ریاضی و آنهم برای نخستین بار در تاریخ بشریت احساس سرور و سربلندی کند. خانم **مریم میرزاخانی** در همه جای دنیا مورد تشویق و تقدیر قرار گرفت و با کار ارزشمند خویش نشان داد که زنان نیز دارای همان توانمندیهای هستند که مردان از آن برخوردارند و تنها وضعیت اجتماعی و شرایط تاریخی مانع رشد و شکوفائی استعدادهای آنها شده است. مقام و مرتبه بلندی که خانم **مریم میرزاخانی** کسب کرده اند، سیلی محکمی به گوش همه کسانی است که نسبت به مقام و منزلت زنان و همترازی آن با مردان دچار تردیدند و یا ارزش زنان را نصف ارزش مردان تلقی کرده و با قوانین مدرن مدنی که همه انسانها را در مقابل قانون یک سان می شمارد سرسنتیز دارند و به کتب مقدس و "دنده [قبرغه] چپ حضرت آدم" استناد می کنند. دریافت جایزه ریاضی توسط این دانشمند زن ایرانی تف سربالائی به روی رژیم جمهوری اسلامی است که به شدت زنان ایرانی را مورد تحقیر قرار داده و حقوق طبیعی آنها را تضییق می کند.

مطبوعات غربی به یک باره مجبور شده اند تا حدودی در مورد وضعیت واقعی ایران تجدید نظر کرده و از تبلیغات عوامفریبانه و ضد ایرانی به بهانه گزارش و خبررسانی در مورد رژیم جمهوری اسلامی، دست بردارند. البته همین روش آنها نیز ناشی از مذاکرات در جریان مسأله هسته ئی با ممالک غربی است که احتمال مامشات با آنها را منتفی نمی کند. روزنامه "کلنر اشات آنگسایه" در المان می نویسد که آنچه خانم **مریم میرزا خانی** انجام داده، زنده کردن سنت ایرانی ها در پیشرفت علوم ریاضی از قدیم الایام است. این نشریه از جمله به بزرگان دانش ایران نظیر **ابوریحان بیرونی**، حکیم **عمر خیام نیشابوری**، **ابن سینا*** اشاره کرده و می نویسد که این دانشمند زن ایرانی که شگفتی همگان را بر انگیخته، ادامه دهنده راه بزرگ این دانشمندان ایرانی است که خدمات بس ارزنده ای به علم ریاضی و بشریت کرده اند. سپس این نشریه اشاره می کند که خلاف آنچه مطبوعات غرب از زن ایرانی ترسیم می کنند که مشتکی عقب مانده چادری و چاقچوری هستند، زنان ایرانی توانسته اند المپیکهای علوم را تسخیر کنند و به دریافت جوایز و افتخارات

متعددی نایل شوند. همین خانم **مریم میرزا خانی** برنده مدال طلای المپیک ریاضی بوده است و در ایران به خاطر هوش ویژه خود در مدارس کودکان با استعداد، آموزش دیده است. آنها می نویسند که ۶۰ تا ۶۵ درصد دانشجویان ایرانی را زنان تشکیل می دهند که در دنیا بی نظیر است. این نشریه ضمنی اشاره می کند که فکر نکنید خانم **مریم میرزاخانی** پناهنده سیاسی در امریکاست، خیر وی تنها در امریکا صاحب کرسی استاد ریاضی در دانشگاه مشهور استنفورد امریکاست و در سایر دانشگاهها نیز تدریس می کند و برای رفتن به ایران مشکلی ندارد. احتمالاً مقامات امریکائی تلاش فراوان کرده اند تا به وی تابعیت امریکا را اعطاء کنند و به این ترتیب به حجم دریافت کنندگان جوایز نوبل از جانب امریکائی ها بیفزایند. ولی وی هنوز تابعیت ایرانی دارد و به همین جهت این جایزه به نام ایران ثبت می شود و نه امریکا. در غیر این صورت همه مطبوعات دروغگوی غرب به احتمال قوی حتی تبار ایرانی ایشان را کوچک می کردند و یا اساساً اشاره ای به آن نمی کردند.

پدیده خانم **مریم میرزاخانی** را می شود از نظر علمی بررسی کرد و به این قناعت کرد که موجب سربلندی ایرانیان و به ویژه زنان ایران است. ولی به نظر حزب ما مسأله عمیق تر از آن است که ما فقط به این نکته بسنده کنیم. به نظر ما باید این پدیده را سیاسی بررسی نمود و نقش جمهوری اسلامی، دشمنان خارجی ایران و اپوزیسیون ایران و به ویژه اپوزیسیون خود فروخته ایران را که نقش ارتش داعش را مدتهاست بازی می کند، روشن ساخت.

از اپوزیسیون خودفروخته ایران شروع کنیم. این اپوزیسیون به بهانه "مبارزه و افشاء جمهوری اسلامی" با هر چیز رنگ و بوی ایرانی دارد، مخالف است. منطق این اپوزیسیون داعشی این است که برای نابودی جمهوری جنایتکار اسلامی، باید ایران نابود شود. با این منطق، به زعم آنها **ایران یعنی جمهوری اسلامی**. این که ایران چند هزار سال تاریخ داشته و در آینده هم وجود خواهد داشت و جمهوری اسلامی و یا نظامهای ارتجاعی و سرکوبگری که در ایران تا کنون حکومت کرده اند، موقتی بوده و میرنده هستند، برای آنها مهم نیست. آنها هوادار بمباران ایران و نابودی آوندها هستند!!؟؟ این اپوزیسیون که دست دراز شده امپریالیسم و صهیونیسم در ایران است، آرزویش این است که از ایران عراق، افغانستان، لیبیا، فلسطین و سوریه دومی بسازد، زیرا گویا در این ممالک "تمدن" و "حقوق بشر" و رژیم "سکولار" پیروز شده، زنان به حقوق خود دست یافته و استبداد و حکومتهای مذهبی در آنها از بین رفته اند!!؟؟ در تمام این عرصه ها، این اپوزیسیون در کنار ارتجاع منطقه و امپریالیسم و صهیونیسم قرار داشته و در آینده نیز قرار خواهد داشت. این اپوزیسیون در صورت تجاوز ارتش های امپریالیستی و داعش به ایران، تبلیغ می کند که باید در درجه نخست برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی جنگید و بعد از سرنگونی آنها، خدمت داعش و امریکا و اسرائیل و همه ارتجاع منطقه رسید. البته خنده آور و شوخی جلوه می کند. ولی این تفکر فقط می تواند محصول مغزهای مخبط باشد.

با همین منطق ضد بشری و ضد ایرانی در قالب "چپ" و یا "تمدن خواهی" و مبارزه با "اسلام سیاسی"، این جماعت با هر پیروزی ایران در عرصه های هنری، ورزشی، علمی، موسیقی، ادبی و... مخالف است.

وقتی تیم فوتبال ایران به میدانهای جهانی دست پیدا می کند و به موفقیتهایی دست می یابد و ایرانیان به تشویق تیم های ورزشی ایران می پردازند، صدای این اپوزیسیون خود فروخته بلند می شود که این تمجیدها از تیمهای فوتبال، کشتی، والیبال، بسکتبال، جودو، تک واندو، وزنه برداری و یا پیروزیهای فلمهای ایران در جشنواره های جهانی به نفع رژیم جمهوری اسلامی است و ایرانی ها باید به ضد آنها بسیج شوند و علیه آنها نمایشات اعتراضی ترتیب داده و یا در شبکه های اجتماعی به حملات شخصی به ورزشکاران و هنرمندان ایران بپردازند تا نشان دهند که "انقلابی" و مخالف جمهوری اسلامی هستند. برای آنها نیایش دینی ورزشکاران ایرانی که به هر صورت مسلمان بوده و از یک کشور مسلمان می آیند، عین ارتجاع و حمایت از رژیم جمهوری اسلامی تلقی و تبلیغ می شود، ولی صلیب کشیدن اکثریت

قهرمانان غربی به سینه، قبل از رفتن به میدانهای رزم ورزشی کاملاً طبیعی جلوه داده می شود. اگر یک قهرمان پیروز ایرانی با سران رژیم جمهوری اسلامی تماس بگیرد، آنها این عمل را وسیله نفی ورزش و موفقیت‌های ایران می کنند. ولی بر ضیافت‌های ممالک امپریالیستی که ورزشکاران خود را به کاخ سفید، الیزه، بلو ... دعوت کرده با آقای اوپاما و یا کامرون، هولاندر و یا خاتم مرکل دست به گردن می شوند چشم بسته و مدعی نمی شوند که آنها همه نوکر امپریالیسم و صهیونیسم بوده و باید به ضد آنها لشکر کشی نمود. آمار هنرمندان و ورزشکارانی که به خدمت پاپ اعظم رسیده اند و "متبرک" شده اند، در دست ما نیست وگرنه آن را برای اطلاع این عده که شلاق محکومیت خویش را بدر آورده اند، منتشر می کردیم. این روش ایرانی های خود فروخته فقط در مورد ورزشکاران نیست در همه مواردی است که به نحوی از انحاء امر موفقیت ایرانیان در میان است. آنها از ترور دانشمندان هسته ای ایران اظهار شادمانی می کردند و حاضر نشدند این ترورها را که به دست دشمنان ایران انجام می گرفت محکوم کنند، گویا این محکومیت به نفع جمهوری اسلامی و پیشبرد امر آموزش در فنآوری هسته ای تمام می شد. مودی ترهای آنها مدعی شدند که خود جمهوری اسلامی دانشمندان اتمی خویش را ترور نموده است. استدلالی که خر را نیز به خنده می آورد. آنها بیان نمی کنند که همه این ورزشکاران نوکران سران این کشورها هستند. البته در میان ورزشکاران، هنرمندان، دانشمندان و... نیز مانند مردم همه جامعه، موافق و مخالف رژیم، مؤید و یا منتقد رژیم و سیاست آنها و انسانهای خوب و بد وجود دارند. ولی به این بهانه ها نمی شود ارزش کارهای این ورزشکاران و هنرمندان و... را که مورد احترام و تشویق مردم هستند و سرمشق جوانان در آموزش ورزشی و یا هنری و... می شوند به صفر رسانید و نافی آنها شد. با واقعیت نمی شود در افتاد و چشم بر آن بست با این تصور واهی که دیگر واقعیت وجود نخواهد داشت. ایرانیان از پیروزیهای ورزشکاران ایران در میدانهای رزم ورزشی مسرورند و دشمنان ایران با هر رنگی که به چهره های سیاه خود بزنند با داس مرگ به جان این ورزشکاران، هنرمندان، موسیقیدانان، دانشمندان و... می افتند. جامعه ایران فقط برای این اپوزیسیون خودفروخته و داعشی پیام ننگ و نفرت دارد و این اپوزیسیون را از آن خودش نمی داند.

طبیعتاً رژیم جمهوری اسلامی نیز تلاش دارد تا این موفقیتها را نشانه پیروزی اسلام جا زده و از آن وسیله تبلیغاتی ساخته تا بر همه کاستیها، بر فقر جامعه، بر سرکوب بیرحمانه مردم و به ویژه طبقه کارگر و زحمتکشان، بر نقض حقوق انسانها، بر دزدیها و فساد حاکم، بر قلدری و بی قانونی و بربریت مافیای حاکم، بر انتخابات قلابی و مماشات با دشمنان مردم ایران و... پرده ساتری بکشد و صداها را خاموش کند. رژیم جمهوری اسلامی تلاش می کند که این موفقیتها را که در زمان رژیم سابق یک صدم آنها وجود نداشت به حساب جمهوری اسلامی و حقانیت اسلام بگذارد. وظیفه نیروهای انقلابی که دارای قدرت تشخیص و تحلیل و بررسی هستند این نیست که به این خواستهای رژیم جمهوری اسلامی تن داده و با یورش به ورزشکاران، هنرمندان، کارشناسان، دانشمندان ایرانی در ارتش داعش دشمنان مردم ایران خدمت کنند. همه رژیمهای حاکم در جهان تلاش می کنند ورزش، هنر، دانش، موسیقی، ادبیات و... را به خدمت خود بگیرند. بارها بازیگران سینما، خوانندگان، ورزشکاران و... در انتخابات امریکا، المان و یا فرانسه در کنار نامزدهای انتخاباتی برای تبلیغ به خاطر آنها حاضر شده و عکس گرفته اند. می شود نقش آنها را در این موارد مشخص افشاء کرد، ولی نمی شود به طور کلی به ضد ورزش، علم، هنر، موسیقی، ادبیات و... که می تواند در خدمت ارتجاع نیز قرار گیرد، جبهه گیری نمود.

اما واقعیت چیست؟ کمونیستها به تحولات از جنبه تاریخی برخورد کرده و پدیده ها را در سیر تحولات خویش مورد بررسی قرار می دهند. در ایران یک انقلاب بزرگ و عمیق صورت گرفته است. میلیونها زن از پستوی دینی خانه ها به خیابانها آمده و در نمایشات اعتراضی شرکت کرده و به فعالان جامعه بدل شده اند. این زنان در ضمیر ناخودآگاه خویش به حقوقی پی برده اند که محصول انقلاب است. آنها را نمی شود دیگر به کنج خانه ها فرستاد که فقط تا کلاس

شش دوره ابتدائی آموزش دیده و به انتظار شوهر در خانه ها سر کنند. انقلاب بسیاری سدها را شکسته است. سازمانهای غیر دولتی و مددکاری داوطلبانه در ایران به وجود آمده که به کودکان بی سرپرست رسیدگی می کند و یا سازمانها و گروه های اجتماعی دیگری که از درون مردم جوشیده و به کارهای اجتماعی عام المنفعه مشغولند. اینها ربطی به جمهوری اسلامی ندارند. وقتی سد سانسور و خفقان وحشتناک دوران پهلوی شکست و سیل بنیان کن تحولات سرازیر شد، همه مردم ایران از این آب روح بخش سیراب گردیدند. به زودی ادبیات، مطبوعات، موسیقی، شعر، دانش، ورزش و... در ایران شکوفان شدند. دانشگاههای ایران را دختران دانشجو انباشتند که مادران برگزیده فردای ایران هستند. تحولی که در نهاد جامعه ایران در شرف وقوعست امید بخش است. این تحولات دستاوردهای انقلاب ایران است و در اثر قرنهای مبارزه مردم به دست آمده است و از انقلاب مشروطیت تا به امروز ادامه داشته است. رژیم جمهوری اسلامی در تمام این مدت تلاش کرد جلو موسیقی، صنعت فلم، انتشار آثار انقلابی و متری و انتقادی، ورزش و... را بگیرد. در ورزش فوتبال تخریب کرد، تماشای فوتبال را کشت و سرکوب کرد، ورزشگاهها را مانند دانشگاهها به پادگان بدل کرد، از ورود زنان به ورزشگاهها جلو گرفت و تا به امروز هم می گیرد. ورزش زنان را ضد اسلامی به حساب آورد. برنامه های آموزشی را تغییر داد، پاره ای رشته های علمی را حذف کرد، زیرا غیر اسلامی بودند!!؟؟ از فزیک و کیمیا اسلامی سخن گفت. موسیقی و بازیگری را لهو و لعب جلوه داد و جلوی آن را حتی برای مردان گرفت. رژیم جمهوری اسلامی مدعی شد که در اسلام فقط شمشیر بازی، اسب سواری، شتر دوانی مجاز است. ورزشهایی که بدنهای عریان مردان و یا زنان معلوم باشد نظیر فوتبال، کشتی، شنا و... همه قدغن و ضد اسلامی هستند. رژیم جمهوری اسلامی حتی علیه سرود "ای ایران" اعلان جهاد داد و جشن چهارشنبه سوری و عید نوروز را تکفیر کرد و با نیروی پاسدار و بسیج به جان مردم افتاد. این مبارزه عظیم مردم ایران و به ویژه زنان ایران بود که رژیم را به عقب نشینی واداشت و همه این پیروزی ها را به عنوان دستاوردهای انقلاب بهمین به آنها تحمیل کرد. انقلاب شکست خورد، ولی انقلاب دستاوردهائی داشت که نیروهای ضد انقلاب دیگر نمی توانند آنها را از مردم پس بگیرند. حتی سطح سانسور در ایران نیز به اندازه دوران محمد رضا شاه نیست که هیچ کتاب خواندنی اجتماعی به جامعه ایران تحویل نداد. حتی رژیم جمهوری اسلامی نتوانسته ابعاد سانسوری را که در دوران شاه بود به مطبوعات ایران تحمیل کند. زیرا در ایران انقلاب شده است و این دگرگونی جامعه از زیر تا رو تأثیرات عظیم اجتماعی خویش را باقی می گذارد. هجوم جوانان به موسیقی که در زمان شاه توسط همین آخوندها، مطربی و فسق و فجور تلقی می شد، وضعیت را به طوری تغییر داده است که رژیم نمی تواند جلوی آموزش آلات موسیقی، نوازندگی، آواز خوانی، ترانه سرایی و... را بگیرد. دستاوردهای انقلاب را که محصول مبارزه مردم کشور ماست به پای جمهوری اسلامی نوشتن و به یک باره همه این دستاوردها را محکوم کردن انقلابی نیست، ضد انقلابی و حمایت از جمهوری اسلامی است. کسی که از ورزشکاران و هنرمندان و دانشمندان ایران حمایت می کند، حامی جمهوری اسلامی و ضد انقلابی نیست، ضد انقلابی کسی است که با نفی همه دستاوردهای انقلاب، نادانی خویش را از شگفتیهای انقلاب نشان داده و همان روشی را اتخاذ می کند که جمهوری اسلامی خواستار آن است. این جماعت عملاً رؤیاهای جمهوری اسلامی را در میان اپوزیسیون ایران رواج داده و جا می اندازد و می خواهد دستاوردهای انقلابی را نابود کند. ایرادی که به این عده وارد است را با این شعر می توان پاسخ داد.

آنکس که نداند و نداند که نداند- در جهل مرکب ابدالدهر بماند.

بر گرفته از توفان شماره ۱۷۵ مهر ماه|میزان| ۱۳۹۳ اکتوبر سال ۲۰۱۴، ارگان مرکزی حزب کار ایران(توفان)

صفحه حزب کار ایران (توفان) در شبکه جهانی اینترنت

یادداشت

*- حذف کلمه «بلخی» از عقب نام «ابن سینا» که گواهی بر تخلص این دانشمند بزرگ می دهد، از طرف هرکسی که صورت گرفته باشد، صرف نظر از هر چیزی، دشمنی با هویت شخص «ابن سینای بلخی» می باشد.
به ارتباط اشخاص یاد شده و یا هم ده ها و صد ها دانشمند، شاعر و متفکر آن دوره ها که محصول منئیت زمان خودشان فراتر از مرز های جغرافیائی کنونی می باشند و در آن زمان کشوری به نام ایران- این اسم بر کشور کنونی ایران به تاریخ ۱۹۳۵ میلادی گذاشته است- با جغرافیای کنونی وجود نداشت، اگر جهت ایجاد تفرقه و نفاق بین خلقهای منطقه هم نباشد، چیزی به جز مخدوش ساختن تاریخ منطقه نیست؛ که می باید از آن احتراز جست.

اداره پورتال AA-AA